

نقش مهدویت در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت

دریافت: ۹۶/۱/۲۹

تأیید: ۹۶/۱۲/۲۰

محمود ملکی راد*

چکیده

توانمندی حکومت و نظام اجتماعی از دغدغه‌های مهمی است که همواره مورد توجه نظام‌های سیاسی و حکومتی است. عوامل مختلفی می‌توانند در بقا و تداوم، پویایی و توانمندسازی حکومت و نظام اجتماعی نقش داشته باشند. انسجام درونی، نظم و امنیت از مهمترین عوامل توانمندی حکومت و نظام اجتماعی بشمار می‌روند. اندیشه مهدویت در پویایی و توانمندی حکومت بخصوص در ساحات انسجام و همبستگی و نظم و امنیت، نقش مهمی می‌تواند داشته باشد و کارکرد در این حوزه‌ها از کارکردهای مهم این اندیشه به حساب می‌آید؛ زیرا باور به اندیشه مهدویت می‌تواند مردم را حول محور خود جمع کند و برای تحقق هدفی مشخص، آنان را بصورت یک واحد یکپارچه درمی‌آورد و به آنان هویت واحد می‌دهد و به دنبال آن قدرت اجتماعی را تقویت می‌نماید و ارتباط اجتماعی را تحکیم می‌بخشد و در نتیجه زمینه‌های امنیت و نظم اجتماعی را فراهم می‌آورد. در این تحقیق، به هدف نشان دادن کارکرد اندیشه مهدویت در ساحت حکومت و نظام اجتماعی عصر غیبت و نشان دادن راهکارهای اندیشه مهدویت در تقویت و تحکیم حکومت و نظام اجتماعی، بحث و گفتگو شده است. مهمترین یافته‌های این تحقیق تبیین راهکارهای اندیشه مهدویت در ساحت‌های انسجام و همبستگی و نظم و امنیت اجتماعی و تحکیم روابط اجتماعی است. مهمترین راهکارهای این اندیشه در این حوزه‌ها عبارت است از: تولید و بازخوانی ارزش‌های نفسانی و اخلاقی مشترک، تحکیم باورهای دینی بخصوص آموزه امامت، ایجاد ارتباط و پیوند عاطفی در مردم، ایجاد اتحاد و هویت واحد بین اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها و ایجاد اعتماد عمومی که از تقویت ارزش‌ها و پایبندی به قواعد اخلاقی ناشی می‌شود.

واژگان کلیدی

اندیشه مهدویت، امنیت اجتماعی، نظام اجتماعی، نظام سیاسی، عصر غیبت

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: m.malekirad44@gmail.com

مقدمه

اندیشه مهدویت به جهت ظرفیت‌ها و کارکردهایش از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار است و در حوزه‌های فردی و اجتماعی، آثار و پیامدهای بسیاری دارد. این اندیشه برای نظام اجتماعی عصر غیبت دارای کارکردهایی است که کاربست آنها می‌تواند در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت دارای آثار مثبت بسیاری باشد. مسأله اصلی این تحقیق شناخت و تبیین کارکردهای اجتماعی آموزه مهدویت، حسب نقشی که در نظام اجتماعی عصر غیبت دارد می‌باشد و چهارچوب نظری و مبنای تقسیم کارکرد اجتماعی مهدویت برای نظام اجتماعی عصر غیبت، به تعریفی است که جامعه‌شناسانی چون «پارسونز» از مفهوم نظام اجتماعی ارائه داده‌اند، بر می‌گردد؛ زیرا نظام اجتماعی «در حقیقت الگوی تعاملی برآمده از نقش‌ها، پایگاه‌ها، انتظارات و هنجارهای اجتماعی در عرصه‌های مختلف است» (پارسونز و پیتز، ۱۳۷۹، ص ۱۱۹). بر اساس این برداشت، بقای نظام اجتماعی و تداوم آن با تداوم پیوسته هنجارها و الگوهای تعامل مرتبط است (ادیبی، ۱۳۵۴، ص ۱۳۱). باور به مهدویت می‌تواند با ایجاد هنجارهای اجتماعی و استمرار آن، مردم را حول محور خود جمع کند و به آنان هویت واحد بدهد و در نتیجه موجب انسجام و همبستگی اجتماعی گردد و نهایتاً برای تحقق هدفی مشخص مردم را بصورت یک واحد یکپارچه درمی‌آورد و به دنبال آن قدرت اجتماعی را تقویت می‌نماید و با ایجاد روح امید در مردم، حرکت به سمت آرمان واحد را در آنان تقویت می‌کند. عوامل مختلفی می‌توانند در بقا و تداوم و پویایی و توانمندسازی نظام اجتماعی نقش داشته باشند. مهمترین آنها که در این حوزه از آثار بشتری برخوردارند، عبارتند از:

۱. نظم اجتماعی؛ ۲. انسجام و همبستگی اجتماعی؛ ۳. تحکیم روابط اجتماعی و
۴. امنیت اجتماعی؛ زیرا باور به مهدویت می‌تواند مردم را حول محور خود جمع کند، به آنان هویت واحد بدهد و زمینه‌های لازم برای نظم اجتماعی را فراهم آورد و به دنبال آن، موجب انسجام و همبستگی اجتماعی گردد و در نتیجه تحکیم روابط اجتماعی را

به دنبال داشته باشد. بر این اساس، می توان بین آثار یادشده رابطه طولی برقرار نمود؛ زیرا نظم اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی، با وجود انسجام و همبستگی، روابط اجتماعی مستحکم خواهد شد و امنیت نیز مستقر می شود.

بنابراین، ضروری است کارکرد باور به مهدویت در ساحت نظام اجتماعی، حسب سهم و نقشی که در تحکیم و تثبیت نظام اجتماعی عصر غیبت دارد و به هدف تعالی و ترقی نظام سیاسی حاکم بر جامعه عصر غیبت، تبیین و تحلیل شود. این تحقیق به هدف نشان دادن نقش مهدویت در کارآیی حکومت و نظام سیاسی و اجتماعی عصر غیبت، با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی با استناد به عقل و نقل و با تکنیک کتابخانه ای در صدد است به این سؤال پاسخ دهد که: «کارکرد اندیشه مهدویت در ساحت نظام سیاسی و اجتماعی عصر غیبت چیست؟» در نوشته پیش رو کارکرد باور به مهدویت در ساحت های چهارگانه یادشده، مورد بحث و بررسی قرار داده می شود. لازم به یادآوری است که برخی از این کارکردهایی که در ذیل آورده می شود، می تواند ناظر به باور منجی موعود باشد، اما به لحاظ اینکه مصداق آن در اسلام در مهدویت متجلی است، از آنها به کارکردهای اجتماعی مهدویت تعبیر شده است.

نظم اجتماعی

نظم یکی از عوامل مؤثر در کارآیی نظام اجتماعی است. نظم در لغت به معنای آرایش، ترتیب و توالی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۵۷۸). از سوی جامعه شناسان، علل و عوامل مختلفی برای نظم اجتماعی مطرح شده است. «آگوست کنت»، برای ایجاد نظم اجتماعی به اجزای تشکیل دهنده نظام اجتماعی توجه ویژه ای داشت. «از نظر او جامعه برای نظم، نیاز به ارزش های مشترکی دارد که این امر اغلب از طریق دین ایجاد می گردد. دین باعث ایجاد ارزش های مشترک می شود و همبستگی اجتماعی را تسهیل می کند» (کوزر، ۱۳۷۳، ص ۳۳-۳۴). به باور جامعه شناسان، جامعه برای ایجاد نظم اجتماعی به ارزش های مشترکی نیازمند است. در اصطلاح جامعه شناسی، ارزش به معنای چیزی که مورد علاقه و مطلوب فرد یا جامعه و از شایستگی تحسین برخوردار باشد (ساروخانی،

۱۳۷۵، ص ۴۴۴). از نگاه «آلن بیرو» «اندیشیدن در باب ارزش، به معنای اندیشه در باب آن چیزی است که مطلوب شناخته می‌شود؛ خواه در سطح سرنوشت جامعه، خواه در سطح سرنوشت فردی...» (همان، ص ۴۴۵). از نگاه «اولسون» «ارزش‌ها مجموعه‌ای از پنداشت‌های اساسی نسبت به آنچه پسندیده است، می‌باشند که تجلی عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهان در جامعه هستند» (چلبی، ۱۳۸۲، ص ۶۰). گاه از ارزش‌های اجتماعی تحت عنوان ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و یا دینی سخن می‌رود که یکپارچگی اجتماعی را قوام می‌بخشند و به گسترش پیوندهای مبتنی بر همبستگی می‌انجامند، بدین‌سان عدالت، انسان‌دوستی، دیگرخواهی، مهربانی و... جزو ارزش‌های اجتماعی شمرده می‌شوند (همان، ص ۳۸۶).

بنابراین، می‌توان گفت ارزش‌های اجتماعی مقاصد و هدف‌های مطلوبی هستند که افراد جامعه برای دستیابی به آنها فعالیت می‌کنند تا به این وسیله نیازها و خواسته‌های خود را برآورده سازند. همچنین یکی از ابزارها و وسایلی می‌باشند که جامعه از آن برای نظم اجتماعی سود می‌برد؛ زیرا وجود ارزش‌های اجتماعی در جامعه و کوشش افراد برای دستیابی به آنها باعث فعالیت افراد و موجب شکل‌گیری ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها می‌شود. این جریان برای هر جامعه‌ای حیاتی و ضروری است. آرمان‌ها و اهداف اجتماعی با توجه به ارزش‌های اجتماعی پدید می‌آیند و شکل می‌گیرند (کاوه، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵). از میان نهادهای اصلی جامعه، «نهاد دین و مذهب در تولید و تحکیم ارزش‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. «آگوست کنت» درباره نقش دین در تولید ارزش‌ها و به تبع آن در ایجاد نظم اجتماعی می‌گوید:

دین زمینه مشترکی را فراهم می‌سازد که اگر نباشد، اختلاف‌های فردی جامعه را از هم می‌گسیختند. دین به انسانها اجازه می‌دهد تا بر تمایلات خودخواهانه‌شان فایق آیند و به‌خاطر عشق به هموعان‌شان فراتر از این خودخواهی‌ها عمل کنند. دین همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک به همدیگر پیوند می‌دهد. دین سنگ بنای سامان اجتماعی است (کوزر، ۱۳۷۳، ص ۳۴).

«دورکیم» دین را در مطالعاتش به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی می داند که کارکرد آن همبستگی، انسجام و نظم است (اسکیدمور، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶). وقتی جامعه به ویژگی های اخلاقی مثبت و ارزشی مزین گردد و در تربیت مردم به این امر توجه کامل شود، آن وقت خصایص و ویژگی های بارز اخلاقی چون اعتماد عمومی را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه موجب نظم پذیری جامعه می شود. اندیشه مهدویت جایگاه والایی در اسلام دارد و تبلور کامل دین اسلام است. از این جهت، می تواند در تحکیم مبانی ارزشی و اخلاقی جامعه نقش داشته باشد و به ایجاد ارزش ها و ارتقای آنها کمک نماید. از مجموع روایاتی که در صدد تبیین خصوصیات یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند استفاده نمود. کاربست آنها در جامعه عصر غیبت می تواند در تحقق ارزش ها و به تبع آن در ایجاد نظم اجتماعی مؤثر باشد.

برخی از مهمترین گونه های ارزشی موجود در اندیشه مهدویت عبارتند از:

۱. ارزش های بنیادی (اعتقادی)

ارزش ها از باورها نشأت می گیرند و ریشه در آنها دارند. بنابراین، توجه به اعتقاد و باور در شکل دهی ارزش ها دارای اهمیت خواهد بود. با این وصف، برخی از ارزش هایی که در اندیشه مهدویت وجود دارد، از امور بنیادی به حساب می آیند و ریشه در حوزه مسائل اعتقادی دارند.

۱-۱. معرفت و شناخت اصل امامت، ارزش داشتن (امامت عامه)

باور به امامت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مبتنی بر باور به اصل امامت است. بنابراین، علاوه بر ضرورت شناخت شخص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، شناخت امامت بصورت عام نیز لازم و دارای ارزش است.

۱-۲. معرفت و شناخت شخص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارزش داشتن (امامت خاصه)

برای تبیین ارزش های اندیشه مهدویت و تأثیرگذاری آن در تحکیم نظام اجتماعی، علاوه بر شناخت امامت بصورت عام، شناخت شخص حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نیز لازم و ضروری و امری با ارزش تلقی شود. از این طریق، می‌توان با ویژگی‌ها و خصوصیات آن امام آشنا شد و این مسأله از عوامل مهم در تثبیت فرهنگ مهدوی است که می‌تواند در نظام اجتماعی جامعه منتظر مفید باشد.

۳-۱. دارای ارزش‌بودن راهنمایی و هدایت و ارائه طریق از سوی امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

باور به ارتباط قدسی و معنوی با امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌تواند در تقویت روحیه منتظران تأثیرگذار باشد و آنان را به تلاش بیشتر وادارد و از این جهت، در التزام آنها به انجام رفتارهایی که موجب تحکیم نظام اجتماعی می‌شود، مؤثر خواهد بود.

بنابراین، یکی از دست‌آوردهای بسیار مهم ارزش‌های بنیادی، ایجاد نظام اعتقادی مشترک برای شناخت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که می‌تواند در تحقق ارزش‌های مشترک و به تبع آن به نظم اجتماعی کمک نماید و موجب تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت شود.

(اندیشه مهدویت ← نظام اعتقادی مشترک ← ارزش‌های مشترک ← نظم اجتماعی)

۲. ارزش‌های اخلاقی

ارزش‌های اخلاقی و تربیتی برگرفته از اندیشه مهدویت، عبارتند از:

۱-۲. خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی‌های منتظران

انتظار موجب می‌شود تا منتظران از امام زمان 7 تأثیر بپذیرند و تلاش کنند مسیر زندگی خود را بگونه‌ای سامان دهند که بر طبق خواست و رضایت آن‌حضرت حرکت نمایند. این مطلب اثر مثبت و سازنده‌ای بر آنان خواهد گذاشت و عامل مؤثری برای کسب فضایل اخلاقی خواهد بود. با عنایت به این مطلب در روایات، انتظار فرج بالاترین اعمال امت دانسته شده است (صدوق، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۶۴۴). منتظران که حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زنده‌کننده ارزش‌های اسلامی در جهان می‌دانند، سعی خواهند نمود خود را با معیارهای مورد پذیرش امام 7 تطبیق

دهند و در صدد باشند تا با پیاده کردن آموزه‌های دینی، سهمی در این زمینه داشته باشند. بنابراین، اعتقاد به امامت و باور به ظهور امام مهدی 7 می‌تواند برای جامعه در جهت تربیت اخلاقی و خودسازی، انگیزه لازم را ایجاد نماید و هنجارهایی را بوجود آورد.

انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده‌باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است. چنین آماده‌باشی بسیار سازنده است. برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی، مردانی بسیار بزرگ و مصمم و بسیار نیرومند و شکست‌ناپذیر، فوق‌العاده پاک و بلندنظر کاملاً آماده و دارای بینش عمیق لازم است و خودسازی برای چنین هدفی مستلزم به‌کار بستن عمیق‌ترین برنامه‌های اخلاقی و فکری و اجتماعی است، این است معنای انتظار واقعی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳-۱۰۲).

از روایات بسیاری می‌توان ویژگی‌های منتظران را استنباط نمود که می‌تواند در تثبیت ارزش‌های اخلاقی و نظم اجتماعی و به تبع آن در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت مؤثر باشد. ویژگی‌هایی چون:

الف) معرفت و شناخت خداوند؛

ب) آمادگی همه‌جانبه برای ظهور؛

ج) ارتقای عقلانیت و خردورزی.

امام سجاد 7 در باره ویژگی‌های منتظران می‌فرماید:

ای ابا خالد! مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان بمنزله مشاهده است و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدین پیش روی رسول خدا 9 که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند قرار داده است، آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و داعیان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند (صدوق، ۱۳۵۹، ج ۱،

ص ۳۲۰).^۱

۲-۲. خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی‌های یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

التزام به ویژگی‌های یاران امام زمان 7 یکی دیگر از عوامل مؤثر در خودسازی فردی و اجتماعی است. این ویژگی‌ها می‌توانند در حوزه اخلاق و تربیت، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و رفتارهای متناسب با آن را بوجود آورند و زمینه را برای ظهور مصلح جهانی آماده نمایند. این ویژگی‌ها را می‌توان از تحلیل و بررسی روایات مرتبط با ویژگی‌های عبادی، معنوی، اخلاقی و تربیتی یاران امام مهدی 7 بدست آورد؛ خصوصیتی چون شناخت عمیق یاران امام زمان 7 از خداوند، صبر و پایداری در راه حق و حق‌یابوری، عبادت و معنویت، علم و بصیرت و آگاهی، اقتدار و صلابت در راه حق و... از این ویژگی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که لازم است جامعه منتظر از نظر تربیت دینی به حدی از کمال برسد که ظرفیت و استعداد پرورش یارانی این‌چنین را در خود بوجود آورده باشد؛ زیرا با توجه به اینکه ظهور امام عصر 7 امر غیبی و به تعبیر روایات اسلامی ناگهانی خواهد بود، پس لازم است جامعه دینی همواره آمادگی خود را در این زمینه حفظ نماید. بیشترین بار این مسئولیت و تکلیف بر عهده خانواده مسلمان معتقد به امام زمان 7 است.

۲-۳. خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به نظارت دائمی امام زمان 7 بر اعمال پیروان مکتب اهل بیت : بر این باورند که اعمال مردم هر از چند گاهی بر پیامبر و ائمه : عرضه می‌شود و آنان از اعمال همه امت آگاهند. در روایات بسیاری بر این مطلب تصریح و تأکید شده است.

از امام صادق 7 در این زمینه نقل شده است:

تمام اعمال مردم هر روز صبح به پیامبر 9 عرضه می‌شود؛ اعمال نیکان و بدان، بنابراین، مراقب باشید و این مفهوم گفتار خداوند است که می‌فرماید: خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را می‌بینند (توبه(۹): ۱۰۵). امام 7 به این آیه اشاره نمود و سکوت کرد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۱۹).

در روایت دیگری از امام رضا 7 نقل شده که شخصی به ایشان گفت برای من و

خانواده‌ام دعا کنید، آن‌حضرت در پاسخ فرمودند:

مگر من دعا نمی‌کنم؟ به‌خدا سوگند، اعمال شما هر شب و روز بر من عرضه می‌شود. آن شخص می‌گوید این سخن بر من گران آمد، امام متوجه شد و به من فرمودند: آیا کتاب خداوند عز و جل را نخوانده‌ای که می‌گوید: عمل کنید، خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را می‌بینند. به‌خدا سوگند منظور از مؤمنان علی بن ابی طالب (و امامان دیگر از فرزندان او) می‌باشد (همان).^۳

بنابراین، پذیرش عرضه اعمال بر امام زمان 7 یکی از عوامل مهم تهذیب نفس و خودسازی بشمار می‌رود. اگر این نگاه در جامعه منتظر حاکم باشد و عرضه اعمال بر امام 7 مورد توجه قرار داده شود و به‌عنوان یک ارزش تلقی گردد، آثار مهمی را از خود بر جای می‌گذارد و در تحول اخلاقی آن جامعه مؤثر خواهد بود و نظم اجتماعی در میان مردم تقویت می‌شود و به‌تبع آن نظام اجتماعی تحکیم پیدا خواهد نمود. (اندیشه مهدویت ← ارزش‌های اخلاقی ← نظم اجتماعی)

۳. ارزش‌های سیاسی و اجتماعی

گفته شد تکیه بر ارزش‌های مشترک در تحقق نظم اجتماعی مؤثر خواهد بود. حال باید دید که در اندیشه مهدویت چه ارزش‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارد که با تکیه بر آن بتوان بر ایجاد نظم اجتماعی از آنها کمک گرفت. قبل از اینکه به آن ارزش‌ها اشاره شود، ابتدا لازم است تعریفی از ارزش‌های اجتماعی و سیاسی ارائه گردد تا ابعاد مختلف این مطلب به‌خوبی روشن شود.

ارزش‌های اجتماعی، مقصود و معنای زندگی را برای اعضای جامعه تدارک می‌بینند و جوهره و شیرازه هر فرهنگی را تشکیل می‌دهند. ارزش‌های اجتماعی، هنجارهای گوناگون را مشروعیت می‌بخشند. ماهیت ارزش‌های اجتماعی تابع عوامل فرهنگی و تاریخی است و قابل اقتباس و تقلید از سایر ملت‌ها نمی‌باشد. ... ارزش‌های اجتماعی سبب می‌شوند که زندگی پر مفهوم

و هدفمند باشد و به ساخت یک نگرش سازنده در زندگی کمک می‌کنند
(محسنی، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

اندیشه مهدویت دارای ارزش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است. مانند نیاز جامعه عصر غیبت به رهبر و پیشوای عادل؛ نقش برجسته فقها و مجتهدین به‌عنوان نواب عام در عصر غیبت؛ تبیین جایگاه و وظایف جامعه منتظر و ترسیم ویژگی‌های منتظران از راه تبیین آثار فردی و اجتماعی انتظار از جهت تقویت روح امید در مردم و امیدواری به آینده، ایجاد پیوند و همبستگی اجتماعی، ایجاد اعتماد عمومی و احساس هویت مشترک بین باورمندان به مهدویت. حاکمیت این ارزش‌ها در جامعه موجب نظم اجتماعی خواهد بود. بنابراین:

(ارزش‌های سیاسی و اجتماعی مهدوی ← اعتماد عمومی و احساس هویت مشترک ← نظم اجتماعی)

۳. ارزش‌های اقتصادی و سالم‌سازی روابط اقتصادی

گفته شد اندیشه مهدویت با توجه به جایگاه والایی که در اسلام دارد، می‌تواند در ایجاد ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و ارتقای آنها کمک نماید. گرچه فعلیت کامل و تام و تمام این ارزش‌ها در عصر ظهور با تأسیس حکومت جهانی محقق خواهد شد، اما جامعه منتظر با همه کاستی‌هایی که دارد، می‌تواند آن ارزش‌ها را الگوی خویش قرار دهد و در حد ظرفیت وجودی خود برای تحقق آن ارزش‌ها اقدام کند.

اگر جامعه عصر انتظار بخواهد از جامعه عصر ظهور الگو بگیرد، لازم است از کارکردهای مهدویت در عصر ظهور بحث و گفتگو شود. ازاین‌رو، می‌توان گفت یکی از کارکردهای اساسی حکومت جهانی و دولت امام مهدی ۷ و به تبع آن یکی از ارزش‌های مورد اعتنا، سالم‌سازی روابط اقتصادی و توجه به تقسیم مساوی منابع و درآمدها و ایجاد عدالت اقتصادی و قسط است. در روایات چندی که به ترسیم وضعیت عصر ظهور پرداخته‌اند، به این امر مهم اشاره و تأکید شده و برقراری قسط

و عدل را از نشانه‌های آن زمان معرفی نموده‌اند. «يَمْلَأُ الارضَ قِسْطاً و عدلاً» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۸۱). بر اساس روایتی، پیامبر ۹ به اصحابش فرمود: «به مهدی بشارتتان می‌دهم... او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و ساکنان آسمان‌ها و زمین از او خشنود خواهند شد» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۸).^۴ بر طبق این دسته از روایات، حضرت مهدی ۷ از نعمت‌های مادی بطور مساوی استفاده خواهند کرد و بیت المال برای همه بطور یکسان مصرف خواهد شد. در روایاتی به این مطلب اشاره شده که در عصر ظهور «اموال و امکانات به شکلی تقسیم خواهند شد که دیگر نیازمندی به زکات دیده نخواهد شد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۹۰).^۵ از مجموعه روایاتی که وضعیت اقتصادی جامعه عصر ظهور را ترسیم نموده‌اند، می‌شود برداشت نمود که در آن عصر، اقتصاد، اخلاق‌محور و ارزش‌مدار و معنویت‌گرا می‌شود و اخوت و تعاون و ایثار و قناعت و احسان در روابط اقتصادی حاکم می‌شود و در پرتو آن نابرابری اقتصادی از بین می‌رود و درآمدهای عمومی بصورت عادلانه توزیع خواهند شد و عدالت اقتصادی بر تمامی روابط مستقر می‌شود. با توجه به این آموزه‌های غنی، لازم است جامعه اسلامی در عصر غیبت بتواند آنها را الگوی خویش قرار دهد و در پرتو این ارزش‌ها، حرکت خویش را در آن مسیر تنظیم کند و به تغییر وضع معیشت مردم و سالم‌سازی روابط اقتصادی و معاملاتی برآید. حاکمیت این ارزش‌ها در جامعه دارای آثار مختلفی است؛ یکی از آثار آن ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج است. (اندیشه مهدویت ← حاکمیت ارزش‌های مهدوی ← سالم‌سازی روابط اقتصادی ← نظم اجتماعی)

انسجام و همبستگی اجتماعی

واژه انسجام (Integration) نوعی هماهنگی همراه با نظم و سیاق را در ذهن متبادر می‌کند. انسجام با زوال اعتماد اجتماعی، رو به زوال می‌رود. انسجام، سطوح مختلفی دارد و در سطوح فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مطرح می‌شود. «انسجام گاه با وفاق و وحدت یکسان دانسته می‌شود. وفاق و انسجام موجب به هم پیوستگی آگاهانه‌تر یک

گروه و همبستگی بیشتر آن می‌شود» (صالحی امیری، ۱۳۸۹، ص ۹۸-۹۵). «انسجام و وفاق، حاصل و نتیجه مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های مشترکی است که اعضای یک گروه به آن تمایل دارند و این اهداف و ارزش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات آن گروه دارد» (محرابی، ۱۳۸۷، ص ۲۱). «انسجام اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک گروه به آن تمایل دارند و این اهداف و ارزش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات آن گروه دارد» (همان، ص ۲۵). عوامل مؤثر در ایجاد انسجام و وفاق را می‌توان در مناسبات فرهنگی، مذهبی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جستجو نمود و بر آنها تأکید داشت. «مهمترین وفاق در جامعه نیز وفاق ارزشی است؛ یعنی مردم از ارزش‌های مشترکی پیروی کنند. اگر جامعه‌ای فاقد این سرمایه مهم اجتماعی باشد، دچار عدم همبستگی است» (همان، ص ۳۶). ارزش‌ها ریشه در اعتقادات دارند و برآیند اعتقاداتند و هرچه اعتقادات مردم از استحکام بیشتری برخوردار باشد، به همان میزان نیز تکیه بر ارزش‌ها بیشتر خواهد بود و با تکیه بر ارزش‌ها، اعتماد در بین مردم ریشه‌دارتر و عمیق‌تر می‌شود. چنانچه نبود اعتماد، موجب می‌شود تا در وفاق اجتماعی خدشه ایجاد شود و به قول «توماس برتون باتامور»: «نبود اعتماد بویژه از نوع ارزشی و اخلاقی، روابط دوسویه را پرسوء ظن، تیره و بحران‌زا می‌گرداند» (باتامور، ۱۳۷۲، ص ۴۳). یکی از عوامل مؤثر در این زمینه دین و مذهب است. اندیشه مهدویت در سطوح مختلف و از چند جهت می‌تواند در ایجاد هویت جمعی و به تبع آن در تحقق انسجام و همبستگی اجتماعی نقش و دارای کارکرد باشد:

۱. کارکرد در ایجاد همبستگی اجتماعی بر محور باور به منجی موعود

باور به منجی موعود را می‌توان یکی از عناصر هویت‌ساز برشمرد که موجب شکل‌گیری هویت جمعی جهانی خواهد شد؛ بطوری که این باور می‌تواند، هویت جهانی و فراملی را در عرصه جهانی بوجود آورد؛ زیرا اجتماع همه پیروان ادیان الهی حول محور باور به منجی موعود با هر تفسیری که از آن اراده شود، از نظر جامعه‌شناختی، تعلق خاطر و باور مشترک را نسبت به آن به‌دنبال خواهد داشت و

می‌تواند هویت جهانی و فراملی را شکل دهد و موجب شود تا پیروان ادیان در سایه آن با همدیگر دارای زندگی مسالمت‌آمیز باشند.

مهمترین راهکارهای باور به منجی موعود (مهدویت) در ایجاد انسجام اجتماعی میان پیروان ادیان به قرار ذیل است:

۱-۱. از راه تکیه بر باور مشترک بین الادیانی

در نگاه کلان، معارف اصیل و بنیادین دینی را می‌توان ارزش مشترکی دانست که پیروان ادیان مختلف به آن باور دارند. مانند باور به وجود خداوند و ... یکی از این باورهای مشترک، باور به منجی موعود است. بر مبنای این باور، نجات‌دهنده پایانی، بر طبق اعتقاد یهودیان، مسیح (ماشیح) است که جهان درخشان و باشکوه آینده را می‌سازد. در کتاب «اشعیا» آمده است: «ای خداوند بر ما ترحم فرما؛ زیرا که منتظر تو می‌باشیم» (کتاب مقدس، عهد قدیم، اشعیا، ۳۳، ۲) و به اعتقاد مسیحیان، مسیح آخرین نجات‌بخش است. در «انجیل یوحنا» آمده است: «او «مسیح» در حقیقت مسیح و نجات‌دهنده عالم است» (همان، عهد جدید، یوحنا، ۴، ۴۲). بنابراین، وعده به ظهور منجی موعود از این جهت می‌تواند ارزش مشترک میان باورمندان به منجی موعود را ترسیم کند و موجب همدلی در میان آنان شود و این همدلی عامل مؤثری در ایجاد انسجام اجتماعی می‌شود؛ زیرا نسبت به سایر عوامل، پایدارتر است و به‌راحتی از بین نمی‌رود. در نتیجه باور اقوام مختلف و ملل گوناگون به منجی موعود می‌تواند هویت بین‌الادیانی ایجاد کند و موجب انسجام و همبستگی پیروان ادیان شود و در نگاه اسلامی، این باور می‌تواند هویت بین‌مذهبی ایجاد کند و همبستگی پیروان مذاهب مختلف اسلامی را محقق کند.

۱-۲. از راه ایجاد هویت مشترک بین پیروان ادیان و مذاهب

به باور جامعه‌شناسان، هویت اجتماعی احساسی است که افراد نسبت به خود دارند و شیوه‌هایی است که بواسطه آنها افراد و جماعات در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعات دیگر متمایز می‌شوند و «حاصل آن برقراری روابط و پیوندهای هویتی و

متمایز ساختن نظام‌مند شباهت و تفاوت میان افراد و جماعت‌ها است» (صالحی امیری، ۱۳۹۲، ص ۶۲-۶۱). عوامل و عناصر مختلفی در ایجاد هویت تأثیرگذارند. تکیه بر ارزش‌های مشترک دینی یکی از عناصر مهم آن بشمار می‌رود. یکی از این ارزش‌های مشترک، باور به منجی موعود است. این باور موجب می‌شود تا در بین پیروان ادیان و اقوام مختلف و فرهنگ‌های گوناگون، نقطه اشتراکی ایجاد شود و با گرد هم آوردن آنها حول این اعتقاد، موجب شکل‌گیری هویت جمعی آنان شود. ایجاد هویت مشترک و احساس آن در بین پیروان ادیان گوناگون، می‌تواند زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان را به‌دنبال داشته باشد و به تحقق انسجام اجتماعی کمک نماید.

۲. کارکرد در ایجاد همبستگی اجتماعی بر محور باور به مهدویت از دیدگاه پیروان مذاهب اسلامی

باور به مهدویت در اسلام، فراتر از مذاهب و فرق مطرح‌شده و در حقیقت اعتقادی اسلامی است که توسط رسول گرامی اسلام ۹ مورد تأکید قرار گرفته است. مؤید این سخن، روایات بسیاری است که همه فرق و مذاهب اسلامی از پیامبر ۹ در ارتباط با این عقیده نقل کرده‌اند. در منابع و متون اهل سنت مسأله مهدویت مورد توجه جدی قرار گرفته است و در این خصوص روایات بسیاری در متون حدیثی آنان نقل شده است. اهل تسنن روایات مرتبط با مهدویت را از افرادی چون «معاذبن جبل»، «ابوذر غفاری»، «عبدالله بن مسعود»، «عباس بن عبدالمطلب»، «سلمان فارسی»، «علی بن ابی طالب»، «عمار بن یاسر»، «ابویوب انصاری»، «عبدالله بن عباس»، «ابو سعید خدری»، «جابر بن عبدالله انصاری» و... که همگی از صحابه بزرگ رسول خدا ۹ بودند، نقل نموده‌اند (آل یاسین، ۱۴۳۳ق، ص ۶۷). «تویجری» در کتاب «الاحتجاج بالآثر علی من انکر المهدی» می‌نویسد: «اعتقاد به ظهور امام مهدی ۷ در مسیر اعتقاد به رسالت پیامبر اسلام ۹ است و عدم اعتقاد به وی، عدم اعتقاد به حضرت رسول ۹ است» (تویجری، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۶). این اعتقاد موجب می‌شود تا هویت مشترک در میان پیروان مذاهب اسلامی ایجاد شود و در نتیجه می‌تواند زندگی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب اسلامی را به‌دنبال داشته باشد و به تحقق انسجام و همبستگی اجتماعی در جوامع اسلامی کمک نماید.

۳. کارکرد در ایجاد همبستگی اجتماعی بر محور باور به مهدویت بر اساس دیدگاه

شیعه امامیه

به باور شیعه امامیه، اعتقاد به امامت، هویت جمعی را به جامعه شیعه می‌دهد. در این رویکرد، باور به امامت و حضور حجت حق در همه زمان‌ها و نظارت دائمی وی بر امور، موجب می‌گردد تا هویت دینی مشترک در میان شیعیان بوجود آید. بر اساس این بینش، وجود امام برای تمام ادوار و اعصار، لازم و ضروری است؛ چه امام آشکار باشد و مردم بتوانند او را مشاهده کنند و چه از دید مردم پنهان و غایب باشد. امام زین العابدین ۷ در ارتباط با جایگاه و منزلت امام می‌فرماید:

ما پیشوایان مسلمین و حجت‌های خداوند بر اهل عالم هستیم، از زمانی که خداوند حضرت آدم ۷ را خلق کرده، زمین هرگز خالی از حجت الهی نبوده است یا این حجت ظاهر و مشهور بوده و یا غایب و مستور و همچنین تا قیامت نیز خالی از حجت نخواهد بود (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۱۷).

بنابراین، در اندیشه شیعی، باور به امامت موجب می‌گردد تا هویت جمعی مشترک در میان شیعیان بوجود آید. نقش این هویت، اعطای هویت فرهنگی و دینی به جامعه شیعیان است که موجب می‌شود زندگی مسالمت‌آمیز پیروان مکتب اهل البیت با همه اختلافات زبانی، قومی و نژادی در کنار همدیگر شکل گیرد و در نهایت به انسجام و همبستگی جوامع شیعی در عصر غیبت منجر خواهد شد.

تحکیم روابط اجتماعی

یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی، تنظیم روابط مردم و نخبگان در باره ارزش‌ها و هنجارها و چگونگی تعامل‌شان در باره آن ارزش‌ها و هنجارها با همدیگر است. «چارلز کولی» ارتباط را مکانیسمی می‌داند که از خلال آن روابط انسانها برقرار می‌شود و بسط می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۲۰). فرآیند ارتباط بین انسانها با استفاده از نمادهایی چند صورت می‌گیرد. «این نمادها به هر صورت یا هر شیوه‌ای که تجلی کند، حامل پیام انسانی به انسان دیگر یا انسانهایی به انسانهای دیگرند» (همان، ص ۲۱).

«گردآمدن اشخاص، حول محور باور و اندیشه خاصی که به فعالیت اجتماعی مشترکی می‌پردازند و از فردیت خارج می‌شوند و به جامعه می‌پیوندند و اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند را می‌توان روابط اجتماعی نامید» (مالک بن نبی، ۱۳۵۹، ص ۴۰). نقش روابط اجتماعی، سامان‌دادن فعالیت مشترک برای رسیدن به آرمان معینی است که جامعه برای خود تعریف نموده است. وجود ثروت‌های مختلفی که جامعه مالک آنهاست، حتی اندیشه‌ها، بدون ایجاد روابط اجتماعی، ولو از نظر کمیت بسیار باشند، به‌تنهایی کافی نیستند. هرچه شبکه روابط اجتماعی عمیق‌تر و محکم‌تر باشد، به همان میزان کارکرد آن مؤثرتر و ماندگارتر خواهد بود. منشأ روابط اجتماعی، مسائل مشترکی است که مردم را با همدیگر پیوند می‌دهد. مانند اجتماع مسلمانان در اماکن مقدس و مسجد و ... اندیشه مهدویت از جهات مختلف می‌تواند در تنظیم روابط اجتماعی و تحکیم آن، نقش داشته باشد. برخی از مهمترین آن راهکارها عبارتند از:

۱. از جهت باور به ظهور منجی موعود

یکی از عوامل مؤثر در تحکیم روابط بین مردم، باور به ظهور منجی موعود است. این باور، فصل مشترک همه ادیان به حساب می‌آید و می‌تواند همه مردم را حول محور خود دور هم جمع کند و شبکه روابط مستحکمی را ایجاد نماید. این باور در اسلام بخصوص در مذهب شیعه در قالب اعتقاد به ظهور امام مهدی ۷ متجلی شده است. بنابراین: (باور به منجی موعود ← گردآوردن همه مردم حول محور آن ← تحکیم روابط اجتماعی)

۲. از جهت انتظار

بر اساس تفکر شیعی، اندیشه مهدویت دارای دو مرحله غیبت و ظهور است. در عصر غیبت، انتظار، محور انتظام‌بخش همگان است و موجب می‌گردد تا همه حول محور آن جمع شوند و هدف و زبان مشترکی را در میان مردم بوجود می‌آورد و انسجام و وفاق را در جامعه مستحکم و روابط اجتماعی را پایه‌ریزی می‌کند و از این جهت می‌تواند در تحکیم روابط اجتماعی مؤثر باشد. بنابراین: (انتظار ظهور ← ایجاد هدف مشترک ← تحکیم روابط اجتماعی)

۳. از جهت بزرگداشت یاد و نام امام زمان 7

یکی دیگر از عوامل مؤثر در تحکیم روابط اجتماعی، بزرگداشت یاد و نام امام زمان 7 است. این مطلب از چند جهت در ایجاد تحکیم و تقویت شبکه روابط اجتماعی مؤثر است:

۳-۱. حضور در اماکن منسوب به امام زمان 7

چنین حضوری موجب می‌گردد مردم با هدف انجام عبادت در آن مکان‌های مقدس جمع شوند و با خواندن ادعیه مخصوص به نیایش پردازند و بر معرفت خویش نسبت به امام زمان 7 بیافزایند. حضور مردم در این اماکن موجب تحکیم اتحاد و انسجام بین آنان خواهد شد و به تبع آن روابط اجتماعی نیز تقویت می‌شود. بنابراین: (حضور در این اماکن ← تحکیم اتحاد و همبستگی ← تحکیم روابط اجتماعی)

۳-۲. توسل‌های دسته‌جمعی به امام زمان و حضور در مراسم ادعیه نسبت به آن حضرت

یکی دیگر از عوامل مؤثر در ایجاد انسجام و روابط اجتماعی، برگزاری و شرکت در مراسم دعا‌های منسوب به امام زمان 7 است. این مراسم از دو جهت در ایجاد انسجام و تقویت شبکه روابط اجتماعی مؤثر است؛ زیرا حضور در این مراسم موجب می‌شود تا بین مردم انس و الفت بیشتری بوجود آید و موجب گردد تا مردم از حال همدیگر بیشتر اطلاع یابند و در رفع مشکلات یکدیگر بکوشند. این نیز موجب تحکیم روابط اجتماعی خواهد شد. بنابراین:

(توسل‌های دسته‌جمعی به امام زمان 7 ← انس و الفت مردم با همدیگر ← تحکیم روابط اجتماعی)

امنیت اجتماعی

واژه امنیت (security) در زبان فارسی و عربی به معنای آسایش و ضد ترس و خوف (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵)، سلامت، راحتی و آسایش، عافیت، ایمن شدن (معین، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۵۴)، در امان بودن (دهخدا، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۲۸۹۴) و به معنای

آسودگی (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۳۳) نیز آمده است. در مجموع امنیت به «ایمنی و آرامش و آسودگی، اطمینان و آرامش خاطر و مصون بودن از هرگونه نا امنی، بیماری، فقر و در کل هر عاملی که آرامش و آسودگی انسان را از بین ببرد معنا شده است. امنیت یکی از نیازهای اولیه جوامع بشری است؛ زیرا در سایه امنیت، انسان می تواند در زمینه های مختلف رشد کند و به پیشرفت دست یابد. ایمان نیز ریشه در این ماده دارد و به معنای قرارداد خود و دیگران در امن و امان است؛ چون مؤمن با قبول ایمان، خود و دیگران را در امنیت قرار می دهد. رسول خدا ۹ در این باره فرمود: «مؤمن را مؤمن گویند، چون جان و مال مردم از او در امان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۶۳).^۷ امنیت دارای مفهوم وسیعی است و عرصه های مختلفی در حوزه های گوناگون فردی و اجتماعی را در بر می گیرد. اهمیت آن به حدی است که خداوند یکی از اهداف برقراری حاکمیت صالحان در زمین را تحقق امنیت معرفی کرده است (نور(۲۴): ۵۵)^۸ و در اهمیت آن همین بس که خداوند شهری را که دارای امنیت است، به عنوان الگو و نمونه مثال می زند که مردم در آن با آسایش زندگی می کنند. «مثل آورد شهری را که در آن امنیت کامل حکمفرما بود و اهلش در آسایش و اطمینان زندگی می کردند و از هر جانب روزی فراوان به آنها می رسید». «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل(۱۶): ۱۱۲).

اصطلاح امنیت اجتماعی (societal security) واژه ای نوپدید است و عمر کوتاهی در ادبیات علوم اجتماعی دارد. «در امنیت اجتماعی عقل، اراده و عمل جمعی انسان تأثیرگذار است» (رضایی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۰).

تعاریف مختلفی برای امنیت اجتماعی شده است. در یکی از آن تعاریف آمده، امنیت اجتماعی عبارت است از:

آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید، اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هرگونه تهدید و تعرض مفروض... امنیت اجتماعی نگران تهدیدهایی است که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می دهند؛ چون اگر جامعه

هویت خود را از دست بدهد، دیگر دوامی نخواهد داشت (همان، ص ۱۹۲-۱۹۰) و به تعبیر «باری بوزان»: «امنیت اجتماعی در باره جمع‌های بشری و هویت‌شان و کنش‌هایی که بمنظور دفاع از هویت‌ها تحت عنوان «ما» صورت می‌گیرد، مربوط است» (صالحی امیری، ۱۳۹۲، ص ۳۸-۳۷) و به تعبیر «مولار»: «در امنیت اجتماعی به بقای گروه‌های اجتماعی و حفظ هویت آنها توجه می‌شود» (همان، ص ۵۱-۵۰) و از نظر «ویور»: «امنیت اجتماعی آن است که جامعه بتواند در شرایط تغییرات و تهدیدات واقعی و محتمل، ویژگی‌های خود را حفظ کند» (همان، ص ۵۴).

در نگاه سنتی، امنیت اجتماعی در بستر حفظ و بقای زندگی مطرح می‌شود و برای آن لازم است عواملی که آن را تهدید می‌کنند، حذف و یا حداقل کاهش یابند. در این رویکرد، هرآنچه بقای جامعه را در بعد فیزیکی و مادی تضمین می‌کند، مد نظر است که در صورت آسیب‌پذیری به‌عنوان تهدیدی برای امنیت محسوب می‌شود. بر خلاف رویکرد مدرن که بر طبق آن، مفهوم امنیت اجتماعی به معنای احساس آرامش و اطمینان خاطر و فقدان دلهره، تشویش، اضطراب و ترس است. در این نگاه برخورداری از عدالت، آزادی، احترام متقابل و حرمت به تنوع افکار و زندگی مورد توجه بوده و تعرض به این حوزه‌ها به عنوان تهدیدات امنیت اجتماعی مطرح می‌شوند (همان، ص ۴۸-۴۷).

ایجاد امنیت در همه ابعاد آن در دوران پیش از ظهور، دشوار و بلکه غیر ممکن است. امنیت کامل در همه عرصه‌ها با ابعاد ایده‌آل و آرمانی آن، تنها در پرتو امنیت فراگیر مهدوی، در عصر ظهور محقق خواهد شد و می‌تواند الگوی مناسبی برای امنیت جامعه عصر غیبت به حساب آید. مهمترین راهکارهای اندیشه مهدویت برای ایجاد امنیت در جامعه عصر غیبت عبارتند از:

۱. تحکیم باورهای دینی بخصوص آموزه امامت

باورهای دینی و ایمان بدان‌ها یکی از عوامل مهم ایجاد امنیت محسوب می‌شود.

آنگاه که باورهای دینی از تحکیم بیشتری برخوردار شوند و ایمان در جامعه فراگیر شود، به همان میزان نیز امنیت در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی در جامعه فراگیر خواهد شد. زیرا باورهای دینی و ایمان به آن، افراد را از هرگونه تجاوز و تعدی به دیگران باز می‌دارد و از این جهت است که در روایت نبوی در باره نامگذاری مؤمن به این نام گفته شده: «چون جان و مال مردم از او در امان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۶۰).^۹ رسول اکرم ۹ در سخن دیگری با تأکید بر نقش ایمان فرمود: «تا آنگاه که انسان مؤمن است، نه زنا می‌کند و نه دزدی» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۸۵).^{۱۰} اندیشه مهدویت از دو جهت در تحکیم باورهای دینی و تقویت ایمان می‌تواند نقش داشته باشد. اول: از جهت نقشی که امامت در تحکیم آموزه‌های دینی و تقویت عبودیت و بندگی خداوند دارد و از این جهت می‌توان گفت شناخت امام از شناخت خداوند متعال جدا نیست، بلکه یکی از ابعاد آن است. شاهد بر آن، دعایی است که از امام صادق ۷ نقل شده است.

زراره می‌گوید امام صادق ۷ به من فرمود: اگر زمان غیبت را درک کردی، این دعا را بخوان: خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من شناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا! رسولت را به من بشناسان که اگر رسولت را به من شناسانی، حجت تو را نمی‌شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من شناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم (همان، ج ۱، ص ۳۳۸).^{۱۱}

در این دعا عدم شناخت حجت الهی مساوی با گمراهی و ضلالت در دین معرفی شده است. دوم: از جهت اعتقاد به نقش امام در زندگی انسانها و نظارت دائمی امام بر آنان. موضوع شناخت امام عصر ۷ و معرفت نسبت به حجت الهی و التزام به پیروی از امام، یکی از مهمترین مسائل اسلامی و تکالیف مسلمانان است که پیامبر اکرم ۹ آن را اعلان نموده و بار تحمل مسؤولیت آن را بر دوش همگان نهاده است. بر اساس این وظیفه شرعی و مسؤولیت خطیر دینی، هر مسلمانی وظیفه دارد پس از معرفت خدای متعال و پیامبرش در مسیر معرفت و شناسایی امامت قدم گذارد و

امامان خویش را به درستی و روشنی بشناسد و وظیفه خود را در برابر آنان تشخیص دهد؛ زیرا ایمان و پذیرش ولایت امامان، بدون شناخت آنها غیر ممکن است و پیروی کردن از آنان بدون معرفت و شناخت، امکان پذیر نخواهد بود. در اهمیت این مطلب، همین بس که رسول خدا 9 کسانی را که امام زمان خود را نشناسند، با آنان که در عصر جاهلیت می زیسته و بهره ای از توحید و معنویات نداشته اند، هم سنگ و برابر دانسته و در این زمینه می فرماید: «کسی که بمیرد، در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت (یعنی مرگ در حال شرک و کفر) مرده است» (صدوق، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۴۰۹).^{۱۲} از این قبیل روایات، به خوبی استفاده می شود که معرفت امام 7 در عبودیت و بندگی خداوند و به دنبال آن در بدست آوردن فضایل و ارزش های اخلاقی نقش اساسی و تأثیرگذار دارد که با فقدان آن، حقیقت بندگی نیز لنگ خواهد شد.

از طرف دیگر، در روایات بسیاری بر نقش نظارتی رسول خدا 9 و امام، بر اعمال مردم نیز تأکید شده است.

«ابان زیات» می گوید: به امام رضا 7 گفتم برای خودم و خانواده ام دعا کنید. آن حضرت فرمود: «آیا - تصور می کنید - دعایتان نمی کنم؟ به خدا قسم اعمال شما هر روز و شب بر من عرضه می شود» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۱۹).^{۱۳}

بنابراین، شناخت امام مهدی 7 به عنوان امام حی و حاضر، می تواند نقش مهمی در تحکیم باورهای دینی و کیفیت ایمان مردم داشته باشد و از این جهت قادر است در امنیت افزایی کمک نماید.

(مهدویت ← تحکیم باورهای دینی (امامت) ← تحکیم ایمان ← امنیت)

۲. ایجاد ارتباط و پیوند عاطفی در مردم

اندیشه مهدویت علاوه بر ایجاد بینش صحیح در میان مردم، در ایجاد ارزش ها به جامعه نیز کمک می کند؛ زیرا با تکیه بر بینش و باور به امامت، نظارت دائمی امام در زندگی فردی و اجتماعی احساس خواهد شد و با این وصف افراد سعی خواهند نمود

تا در صدد تحکیم ارزش‌ها برآیند و قبلاً گفته شد: «در هر اجتماعی، ارزش‌ها بهترین عامل پیوند می‌باشند و سرمایه اجتماعی عظیمی را شکل می‌دهند که می‌توان آن را زمینه‌ساز پیوندهای محکم بین افراد دانست» (محرابی، ۱۳۸۷، ص ۳۷). از طرفی تکیه بر ارزش‌های مشترک در بین باورمندان به امام مهدی ۷، می‌تواند پیوند و تعلق عاطفی در بین آنها ایجاد نماید و از طرف دیگر، هرچه اتحاد و پیوند در میان مردم بیشتر باشد، ضریب امنیتی جامعه نیز افزایش می‌یابد. چون نا امنی بیشتر ناشی از اختلاف و تفرقه است و در حقیقت می‌توان گفت امنیت، مولود اتحاد و انسجام اجتماعی است. بنابراین، می‌توان گفت:

(امامت و مهدویت ← ارتباط و پیوند عاطفی ← اتحاد و انسجام ← امنیت)

۳. ایجاد اتحاد بین اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها

برای ایجاد هویت واحد در میان اقوام و ملل، ممکن است عناصر مختلفی تأثیرگذار باشند. تکیه بر دین و مذهب یکی از عناصر مهم در ایجاد هویت واحد بشمار می‌رود؛ زیرا دین قادر است هویت‌های مختلف را در محور خودش گرد هم آورد و به آنان هویت واحدی اعطا نماید. بنابراین، باور اقوام مختلف و ملل گوناگون به مهدویت و امامت، موجب می‌شود تا همه آنان با این باور مشترک گرد هم جمع شوند و از این طریق، هویت واحدی پیدا می‌کنند و نقطه مشترکی در میان‌شان ایجاد می‌شود. گرد هم آوردن مردم حول محور اعتقاد به مهدویت سبب می‌شود تا هویت جمعی به آنان داده شود و هویت واحد، انسجام اجتماعی را به‌دنبال خواهد داشت و انسجام اجتماعی نیز از عوامل مؤثر در ایجاد امنیت است و از ضریب امنیتی بالایی برخوردار است. بنابراین، می‌توان گفت:

(باور به مهدویت ← هویت واحد ← انسجام اجتماعی ← امنیت اجتماعی)

۴. ایجاد اعتماد عمومی

اعتماد عمومی یکی دیگر از عناصر مهم در ایجاد امنیت است. هرچه میزان اعتماد میان افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی بیشتر باشد، به همان میزان روابط اجتماعی

از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود و به دنبال آن امنیت بیشتری متوجه جامعه می‌شود. در مقابل، عدم وجود اعتماد عمومی، موجب می‌شود تا تنش و ناامنی در جامعه زیاد شود و به قول «باتامور»: «نبود اعتماد، روابط دوسویه را پرسوء ظن، تیره و بحران‌زا می‌گرداند» (همان، ص ۴۳).

اندیشه مهدویت از طریق استحکام اعتقادات، شبکه‌ای از ارزش‌ها را در میان باورمندان ایجاد می‌کند. قبلاً گفته شد با تکیه بر ارزش‌ها و پایبندی به قواعد اخلاقی، اعتماد در بین مردم ریشه‌دارتر و عمیق‌تر می‌شود و با ایجاد اعتماد عمومی، ضریب امنیت اجتماعی نیز بالا می‌رود.

بنابراین، می‌توان گفت:

(باور به مهدویت ← تقویت ارزش‌ها و پایبندی به قواعد اخلاقی ← اعتماد عمومی ← امنیت)

۵. کنترل ناهنجاری‌ها

وجود ناهنجاری‌ها در میان مردم یکی از عوامل مهم در ایجاد ناامنی است. به باور اندیشمندان اجتماعی، دین در کنترل ناهنجاری‌ها از طریق ارائه باورها و ارزش‌ها نقش بی‌بدیلی دارد و می‌تواند به جامعه در کنترل ناهنجاری‌ها کمک نماید.

مهدویت که آئینه تمام‌نمای دین اسلام است، می‌تواند در این زمینه نقش مهمی داشته باشد. اندیشه مهدویت می‌تواند با ارائه باورها و ارزش‌هایی بر هنجارهای حاکم بر اجتماع تأثیرگذار باشد و آنها را به هنجارهای مهدوی تبدیل نماید و می‌تواند در این زمینه مراسم و آیین‌ها و مناسک و نمادهای مذهبی مرتبط با امام زمان ۷ در ایجاد هنجارهای مثبت کمک نماید و در کنترل ناهنجاری‌ها مؤثر باشد و در این رابطه هرچه بر میزان ناهنجاری‌ها در جامعه کاسته شود، به همان میزان بر امنیت اجتماعی نیز افزوده می‌شود.

(باور به مهدویت ← کمک به هنجارهای مثبت (کنترل ناهنجاری‌ها) ← امنیت اجتماعی)

نتیجه‌گیری

در مباحث جامعه‌شناسی، نظام اجتماعی دارای اهمیت بسیاری است و برای تحکیم آن، عواملی چون نظم و انسجام و روابط اجتماعی و امنیت، نقش بسزایی دارند. عواملی چون دین و فرهنگ و آیین‌های قومی و منطقه‌ای و ... می‌توانند در تثبیت عناصر یادشده نقش داشته باشند. البته نقش دین در این زمینه از دیگر عوامل پررنگ‌تر و مهمتر است. با توجه به این مطلب، اندیشه مهدویت که تجلی تام و تمام دین اسلام است، از ظرفیت مطلوبی در تحکیم نظام اجتماعی برخوردار است. لذا در این نوشته حسب نقش و کارکردی که اندیشه مهدویت در نظام اجتماعی عصر غیبت دارد، بحث و گفتگو به عمل آمد. این اندیشه برای نظام اجتماعی عصر غیبت دارای کارکردهایی است که کاربست آنها می‌تواند در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت دارای آثار مثبت بسیاری باشد. مهمترین آثار و کارکردهای آن را در این زمینه می‌توان در حوزه‌هایی ترسیم نمود که در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت و برای جامعه منتظر دارای تأثیر است. حوزه‌هایی چون نظم اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی، روابط اجتماعی و امنیت اجتماعی برای نشان‌دادن نقش و کارکرد اندیشه مهدویت در این حوزه‌ها در سه سطح می‌توان آن را دنبال نمود: ۱. از طریق باور به منجی موعود به عنوان باوری مشترک در میان پیروان ادیان. ۲. از طریق باور به مهدویت از دیدگاه پیروان مذاهب اسلامی و ۳. از طریق باور به امامت و مهدویت از دیدگاه پیروان مذهب امامیه. بنابراین، نقش مهدویت در سطوح سه‌گانه و در حوزه‌های یادشده (نظم و انسجام و روابط اجتماعی و امنیت اجتماعی) دارای اهمیت است و می‌تواند در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت کمک نماید.

یادداشت‌ها

۱. «يَا أَيُّهَا خَالِدُ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شِيعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سِرًّا وَ جَهْرًا...».

٢. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ 7 قَالَ: «تُعْرِضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أُبْرَارِهَا وَفَجَارِهَا فَاحْذَرُوا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ فَسَكَتَ».

٣. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانَ الزِّيَّاتِ وَكَانَ مَكِينًا عِنْدَ الرَّضَا 7 قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا 7 : ادْعُ اللَّهَ لِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي فَقَالَ: «أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرِضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ [قَالَ: فَاسْتَغْطَمْتُ ذَلِكَ - فَقَالَ لِي:] أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَقُلِ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُوَ وَاللَّهِ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ 7».

٤. «بَشِّرْكُمْ بِالْمَهْدِيِّ...يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ».

٥. «... وَ يُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ وَ يَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَى الْمَحَاوِيجِ مِنْ شِيعَتِهِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا فَيَصْرُوه...».

٦. عَلَى بْنُ الْحُسَيْنِ 7 قَالَ: «... وَ لَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مِنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَ لَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبِدِ اللَّهُ».

٧. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ 9 : «أَلَا لَا أُتْبِئُكُمْ لِمَ سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِإِيْمَانِهِ النَّاسَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ».

٨. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

٩. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ 9 : «أَلَا لَا أُتْبِئُكُمْ لِمَ سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِإِيْمَانِهِ النَّاسَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ...».

١٠. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ 9 : «لَا يَزْنِي الزَّانِي وَ هُوَ مُؤْمِنٌ وَ لَا يَسْرِقُ السَّارِقُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ».

١١. «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي...».

١٢. «...مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً...».

١٣. أَبَانَ الزِّيَّاتِ وَكَانَ مَكِينًا عِنْدَ الرَّضَا 7 قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا 7 : ادْعُ اللَّهَ لِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي فَقَالَ: «أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرِضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ [قَالَ: فَاسْتَغْطَمْتُ ذَلِكَ]».

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آل یاسین، محمد حسن، المهدی المنتظر بین التصور و التصدیق، بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۳۳ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، بیروت: دار صادر، ج ۳، ۱۴۱۴ق.
۴. ادیبی، حسین، جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۵۴.
۵. اسکیدمور، ویلیام، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، جمعی از مترجمان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۶. باتامور، توماس برتون (تی. بی.)، جامعه‌شناسی، ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی کلجاهی، تهران: امیر کبیر، ج ۴، ۱۳۷۲.
۷. بن نبی، مالک، شبکه روابط اجتماعی، ترجمه جواد صالحی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
۸. تویجری، حمود بن عبدالله، الاحتجاج بالاثار علی من انکر المهدی المنتظر، ج ۱، ریاض: الرئاسة العامة لادارات البحوث العلمية، ۱۴۰۳ق.
۹. چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی، ج ۲، ۱۳۸۲.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱، تهران: سیروس، ۱۳۳۶.
۱۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تهران: آرایه، ۱۳۸۷.
۱۲. رضایی، محمد حسین، مبانی و مسائل امنیت اجتماعی، رویکردی ایرانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
۱۳. ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
۱۴. صالحی امیری، سیدرضا، امنیت اجتماعی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۲.
۱۵. -----، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ج ۲، ۱۳۸۹.
۱۶. صدوق، محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۱ و ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ۱۳۵۹.
۱۷. -----، علل الشرايع، ج ۲، قم: داوری، ۱۳۸۵.

۱۸. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، مشهد مقدس: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة، قم: دار المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۲۰. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، تهران: امیرکبیر، چ ۴، ۱۳۶۳.
۲۱. کاوه، محمد، آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، ج ۱، تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۹۱.
۲۲. کتاب مقدس، عهد قدیم، اشعیا.
۲۳. کتاب مقدس، عهد جدید، یوحنا.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱ و ۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چ ۳، ۱۳۶۷.
۲۵. کوزر، آلفرد لیوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه حسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چ ۵، ۱۳۷۳.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۷ و ۵۲، بیروت: مؤسسة الوفاء، چ ۲، ۱۴۰۳ق.
۲۷. محرابی، علیرضا، بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه‌های انسجام ملی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷.
۲۸. محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر دوران، چ ۱۸، ۱۳۸۱.
۲۹. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، تهران: امیرکبیر، چ ۶، ۱۳۶۳.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی امام مهدی، قم: نسل جوان، چ ۴، ۱۳۸۶.
۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۳۲. همیلتون، پیتر، تالکوت پارسونز، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس، ۱۳۷۹.